

بهترین انتخاب‌ها

www.ketab.ir

نویسندگان:

محمودرضا محمد دوست

محمد حسین فردمقدم

حسن حاجی زاده اناری

سرشناسه	: محمد دوست، محمود رضا، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: بهترین انتخاب‌ها/نویسندگان محمود رضا محمد دوست، محمد حسین فردمقدم، حسن حاجی زاده اناری.
مشخصات نشر	: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۳۸۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: انتخاب (روان شناسی): Choice (Psychology) مطالب گونه گون: Choce (Psychology) -- Miscellanea
شناسه افزوده	: فرد مقدم، محمد حسین، ۱۳۶۸ -
شناسه افزوده	: حاجی زاده اناری، حسن، ۱۳۴۸ -
رده بندی کنگره	: BF۶۱۱
رده بندی دیویی	: ۸۳/۱۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۳۶۱۸۴

- عنوان: بهترین انتخاب‌ها
- نویسندگان: محمود رضا محمد دوست، محمد حسین فردمقدم، حسن حاجی زاده اناری
- قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ تومان
- انتشارات: میراث ماندگار
- چاپ: وفا
- شمارگان: ۵۰۰ جلد
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲
- شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۴ - ۳۸۱ - ۴

آدرس ناشر: قم، ساختمان ناشران، پلاک ۳۱۸

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۲۳۹۸

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
عوامل و موانع انتخاب درست	۲۶
خودآگاهی	۲۷
هدف	۲۸
حاکمیت عقل	۲۹
مشورت پذیری	۳۰
استقلال فکری	۳۱
مخالفت با هوای نفس	۳۱
زمان‌دار بودن	۳۳
نقش دعا در انتخاب	۳۴
پیشینه	۳۷
کتاب تئوری انتخاب، نوشته: ویلیام گلسر	۳۷
کتاب پارادوکس انتخاب: آنگاه که آزادی انتخاب، اضطراب می‌آورد، نوشته: بری شوارتز	۴۰

کتاب قدرت حق انتخاب را یکبار برای همیشه یاد بگیرید، نوشته گروه نویسندگان آکادمی مجازی باور مثبت..... ۴۲

کتاب بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه نوشته آیت الله محمدتقی مصباح یزدی..... ۴۳

بخش اول: در رابطه با خدا..... ۴۵

بهترین دین..... ۴۶

بهترین مذهب..... ۴۹

بهترین روش دعوت به دین..... ۵۳

بهترین عبادت..... ۵۳

بهترین دعا..... ۵۹

بهترین نماز مستحب..... ۶۱

بهترین مردان..... ۶۱

بهترین زنان..... ۶۸

بهترین مرگ..... ۷۰

بخش دوم: در رابطه با خود..... ۷۵

بهترین زندگی..... ۷۶

بهترین علوم..... ۸۲

بهبترین موعظه.....	۸۸
بهبترین خوردنی.....	۹۰
بهبترین نوشیدنی.....	۱۰۰
بهبترین پوشش.....	۱۰۲
بهبترین درمان.....	۱۰۳
بهبترین ورزش.....	۱۰۵
بخش سوم: در رابطه با دیگران.....	۱۰۷
بهبترین مردم.....	۱۰۸
بهبترین صفهای اخلاقی.....	۱۱۸
بهبترین واکنش در برابر انتقاد و توهین.....	۱۲۷
بهبترین شغل.....	۱۲۹
کشاورزی.....	۱۳۰
بازرگانی.....	۱۳۷
بهبترین تشکر.....	۱۴۱
بهبترین هدیه.....	۱۴۷
بهبترین سخن.....	۱۵۰
بهبترین مشاور.....	۱۵۴

- ۱۵۸ بهترین مسئول
- ۱۶۹ بهترین انفاق
- ۱۷۲ بهترین دوست
- ۱۸۵ بهترین عوامل محبوبیت
- ۱۹۲ بهترین دیدار
- ۱۹۳ بهترین صله رحم
- ۱۹۳ بهترین ازدواج
- ۱۹۳ بهترین زن
- ۱۹۷ بهترین مرد
- ۲۰۹ بهترین فرزند
- ۲۱۲ بهترین جوان
- ۲۱۴ بهترین پیران
- ۲۱۷ بهترین ارث
- ۲۱۹ بخش چهارم: در رابطه با طبیعت
- ۲۲۰ بهترین خانه
- ۲۲۷ بهترین سفر
- ۲۳۶ بهترین مکان

بهترین شهر ۲۳۷

بهترین زمان ۲۴۰

بهترین عید ۲۴۴

منابع ۲۴۷

www.ketab.ir

مقدمه

خداوند به عنوان بهترین خالق؛ «احسن الخالقین» (مؤمنون/۱۴؛ صافات/۱۲۵)، نظام آفرینش را به بهترین حالت ممکن؛ یعنی «نظام احسن» آفریده است (سجده/۷)، به گونه ای که هیچ نقصی در کلیت جهان هستی نیافریده و بلکه بهتر از این عالم اساساً قابل تصور نیست. به طوری که هر موجودی، می تواند مغایر ظرفیت وجودی به بهترین مقام و مرتبه ممکن خود برسد. در این بین، کسی که از روح الهی جان گرفته را، در بهترین جایگاه؛ یعنی گل سرسبد آفرینش، یا «حسن تقویم» آفریده (تین/۴)، یعنی او را از هر نظر، چه جسمی و چه روحی و عقلی، در بهترین شرایط برای ارتقاء به مقامات متعالی شایسته دانسته و استعداد الهی سرشاری در او قرار داده، تا جایی که توانایی دستیابی به بالاترین مقام قرب الهی را پیدا کند و به حیاتی جاودان در جوار پروردگار، و به سعادت عاری از شقاوت نائل شود. به سبب همین هویت واقعی، انسان مورد تکریم قرار گرفته است. آفرینش انسان در این عالم، برای این است که انسان با اختیار خودش به مقامی برسد که حتی فرشتگان هم حسرت آن را دارند. این مقام تنها به وسیله انتخاب بندگی خداوند به دست می آید. خداوند توانمندی های ویژه ای مثل عقل و بیان به انسان بخشیده که سایر مخلوقات از آنها بی بهره اند. نیروها، گرایش و صفاتی که بالقوه وسیله تکامل و پیشرفت را

هموار می‌کنند، در مقابل از انسان دارای اراده و اختیار، مسئولیت‌ها و تکالیفی را مطالبه نموده، هنگامی که به وسیله همین صفات، انسان در بوته امتحان قرار گرفت، خمیره اصلی او ظاهر شد، برخی مسیر هدایت و کمال را انتخاب کردند و البته بسیاری مسیر کژی و نقصان را.

اختیار یکی از اجزاء علت‌های حوادثی است که به دنبال رفتار انسان و یا به دنبال احوال و ملکات حاصله از رفتار انسان، پدید می‌آید. بنابراین محور زندگی دنیوی و ارزش‌گذاری انسان همواره با اراده، اختیار و تکلیف همراه است، یعنی اگر راه درست را انتخاب نماید و از عهده تکلیفش به خوبی برآید، مستحق ستایش خواهد بود و اگر با همه امتیازات انسانی، نتواند به نحو شایسته‌ای تکلیف نماید و استعدادهای خود را به کار گیرد و راه کمال را طی کند، از مسیر حق منحرف شده و چنان سقوط می‌کند که به پست‌ترین مرحله یعنی «اسفل السافلین» و در ردیف حیوانات و بلکه پائین‌تر از آن‌ها کشیده می‌شود (تین، ۵). برای چیزی که سبب برتری انسان بر حیوان می‌شود یعنی؛ قدرت تشخیص را ندیده گرفته و فرصت انتخاب خود را هدر داده است و فقط به تمایلات سطحی اکتفا نموده است. چنان که امام علی علیه السلام در توصیف چنین انسان‌هایی می‌فرماید: "مانند حیوانات پرواری که تنها به علف می‌اندیشند و یا حیوانات دیگری که در چراگاه‌ها رها شده‌اند و از این طرف و آن طرف خرده علفی بر می‌گیرند؛ «كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هُمُهَا عَلْفُهَا أَوِ الْمُرْسَلَةِ شُعْلُهَا تَقْمُمُهَا تَكْتَرِشُ مِنْ أَعْلَافِهَا» (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۱۸).

پس انسان تنها موجود دارای قدرت ناشناخته حق انتخاب هست، حق انتخاب یکی از حقوق طبیعی همه انسان‌ها و بلکه بزرگترین هدیه خداوند به بشریت هست، خداوند انسان را به گونه‌ای خلق کرده که مثل خودش می‌تواند آفریننده باشد. به نظر قرآن، انسان موجودی آزاد و مختار است. بلکه مجبور است اختیار داشته باشد، انسان هر کاری بخواهد انجام دهد، بدون اراده محال است، انسان در حال عادی ناچار است که اختیار داشته باشد، اساساً آمدن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی، بی‌آنکه انسان انتخابگر باشد، کاری بیهوده است. چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: جبر و تفویض هر دو باطل است و فاصله بین آن دو، وسیع‌تر از آسمان و زمین است. انسان آن قدر اختیار دارد، که چیزی ممکن است برای او کاملاً روشن باشد اما قبول نکند، نظر خواهی ما و تمجید دیگران، یا پشیمانی ما و سرزنش دیگران، نشانی از حق انتخاب و اختیار ما است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۳/۳۲۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

انسان انتخابگر با اراده خود می‌تواند در سر بزنگاه‌های تصمیم‌گیری، راه سعادت را برگزیند، یا راه شقاوت را؛ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳). این مرتبه عالی انتخاب انسان است، که زمینه رسیدن به عالی‌ترین مقامات قرب خداوند را فراهم می‌کند. گاهی فاصله بهشت و جهنم فقط به لحظه طلائئ انتخاب بر می‌گردد؛ حربن یزید ریاحی با انتخاب خود از همفکرانش در سپاه یزید فاصله گرفت و با انتخاب امام حسین سرنوشت خودش، بلکه قبیله اش و حتی نسلش را تغییر داد.

از این رو انسان در انتخاب راه بهشت و جهنم کاملاً آزاد است، و وسوسه‌های بیرونی دلیلی برای انحرافش نمی‌باشد، چنان‌که گناهکار در قیامت وقتی تلاش می‌کند تا برای خود شریک جرم پیدا کند و انحراف خود را به گردن دیگران بیندازد. بلکه گاهی بهانه می‌آورد: دوست بد مرا منحرف کرد. «لَقَدْ أَصْلَنِي عَنِ الذِّكْرِ» (فرقان/۲۹) گاهی می‌گوید: رهبران فاسد مرا فاسد کردند. «لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ» (سبأ/۳۱) گاهی شیطان را سرزنش می‌کند و او را عامل گمراهی خود می‌داند، اما شیطان انحراف انسان را نتیجه انتخاب خودش می‌داند و تصریح می‌کند: فقط دعوت کردم (به دعوتی دروغ و بی پایه) و شما هم (بدون اندیشه و دقت دعوتم را) پذیرفتید، پس سرزنش نکنید، بلکه خودتان را سرزنش کنید؛ «وَعَذَّبْكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَلَا تُلْهُمُونِي وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي» (ابراہیم/۲۲) که اقتضاء رشد و کمال انسانِ مختار، در وجود صحنه‌ی خیر و شر است که بتواند با انتخاب آن، کمال مطلوب خود را کسب کند و لازمه بودن این شرایط وجود عوامل وسوسه انگیز است، که شیطان و سربازانش نام دارند.

همچنان‌که نوح قبل از وقوع طوفان، پسرش کنعان را، دعوت کرد تا سوار کشتی شود، اما پسر قبول نکرد و گفت بالای کوهی می‌روم تا از طوفان در امان باشم. نوح بار دیگر پسرش را دعوت به سوار شدن در کشتی کرد و فرمود این طوفان عذابی است که کسی نمی‌تواند از آن فرار کند مگر این‌که خداوند بخواهد؛ "وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ" (هود/۴۲). حتی نوح با اندوه شدید برای نجات فرزندش دست

به دامان خدا شد و از او طلب رحم و کمک کرد، کشتی نجات و رستگاری مسیر خود را رفت، اما پسر نوح کشتی را رها کرد و با انتخاب خودش در طوفان غرق شد.

پس دیگران و حتی فرزندان ما، از اختیار و حق انتخاب میان نجات و گمراهی برخوردار است. همان گونه که نوح پیامبر، فرزندش را به زور و اجبار، مجبور به سوار شدن به کشتی نکرد، تا نشان دهد: من که پیامبر هستم حتی برای نجات فرزندانم، اختیار انسانی‌اش را از او نستاندم، زیرا خدا، انسان را آزاد آفرید.

بنابراین زندگی انسان‌ها سرشار از موقعیت‌هایی است که خداوند به انتخاب‌گری انسان اختصاص داده. بیشتر فعالیت‌ها متأثر از انتخاب‌های هوشمندانه یا عجولانه انسان‌ها هستند. آنچه هستیم و چیزی که خواهیم شد؛ عمدتاً به وسیله فرصت‌های انتخاب در نگاه‌های تاریخی مشخص می‌شوند. پس هم انتخاب شده‌ایم و هم اجازه انتخاب داریم!

انتخاب‌های ما در ابتدا هویت ما را به تصویر می‌کشاند و سپس مانند یک امضای در پای یک چک، ما را به دیگران می‌شناسانند. اساساً کیفیت زندگی ما حاصل کیفیت انتخاب ما است. توانایی ما در قدرت انتخاب مهم‌ترین کاری که در هر لحظه باید انجام دهیم، بیش از هر کیفیت و مهارتی می‌تواند بر موفقیت ما تأثیرگذار باشد. انتخاب صحیح بخشی از مسئولیت ویژه ما در سر دوراهی‌های زندگی هست، هر چه انتخاب کنیم برای خود انتخاب کرده‌ایم؛ انتخاب خوب ما به خودمان برمی‌گردد، بدی انتخاب با غفلت هم به خودمان برمی‌گردد. چنان‌که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام

فرمود: «من هرگز به هیچ کس خوبی نکرده‌ام!». مردم، سرهای خود را از روی شگفتی بلند کردند. ایشان آیه ۷ سوره اسراء را خواند: «اگر نیکی کردید، به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کردید، به خودتان بد کرده‌اید»؛ قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ: مَا أَحْسَنْتُ إِلَى أَحَدٍ قَطُّ! فَرَفَعَ النَّاسُ رُؤُوسَهُمْ تَعَجُّبًا، فَقَرَأَ: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (نشر الدرّ، ج ۱، ۲۹۳).

از این رو خداوند در برخی آیات قرآن اشاره دقیقی به انتخاب انسان داشته، در جاهایی خداوند تصریح کرده: هرکس اختیار دارد زندگی خود را همان طوری که می‌خواهد انتخاب کند، و حتی تاکید نموده: حتی در برگزیدن دین هم اجباری نیست؛ لا اکراه فی الدین (بقره/۱۵۶). به دلیل اختیار، خداوند از اهل ایمان و بلکه همه انسان‌ها خواسته، بهترین انتخاب‌ها را داشته باشند؛ لیبلوکم ایکم احسن عملا (ملک/۲؛ کهف/۷)، الالبالی هی احسن (عنکبوت/۴۶). چه در گفتگو با مخالفان، جاهد البالی هی احسن (نحل/۱۲۵)، چه در پذیرش سخنان دیگران؛ یستمعون القول فیتبجون احسنه (زمر/۱۸). چه در پاسخ به رفتارهای دیگران؛ ادفع البالی هی احسن (فصلت/۳۴).

در آیات دیگر هم فرموده: اگر خدا می‌خواست مردم (به طور اجبار) شرک نمی‌آوردند، (ولی خواست خدا آزادی انسان در انتخاب است) و ما تو را بر آنان نگهبان و کارساز قرار ندادیم، (تا آنان را به پذیرش دین وادار نکنی)؛ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (انعام/۱۰۷)

و در جای دیگری فرماید: به جای خدا معبودانی انتخاب کرده اند به امید اینکه (به وسیله آنها) یاری شوند، در حالی که (معبودان) قدرت یاری دادن به آنان را ندارند و آنان (که سبک مغزان روی برتافته از حق اند) برای آن معبودان (از سوی شیطان) سپاهی احضار شده اند، (تا عمر و مالشان را فدای این معبودان باطل کنند): **وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ، لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ** (یس/۷۵).

همچنین خداوند ارزش انسان را در بهره گیری حق انتخاب یک راه از چند راه دانسته؛ **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** (اعراف/۹۶) و **«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** (روم/۴۱). قدرت انتخاب در بهشت و دوزخ دیگر خداوندست برای پاسداشت انتخاب‌های صحیح در دنیا. چنان که می‌فرماید: **وَأَن يَرْجِعُوا إِلَىٰ دِينِهِمْ لَعَلَّاهُمْ يَرْجِعُونَ** (قلم/۳۸).

در حالی که حکومت‌ها خصوصا امویان از حربه سرنوشت‌باوری یا تقدیرگرایی (که تمام رویدادها و اعمال را در انقیاد و استیلای تقدیر یا سرنوشت قرار می‌دادند) به عنوان ابزار تسلط بر جامعه برای توجیه جنایات خود، حمایت نموده و در ترویج آن کوشش می‌کردند؛ زیرا آن را مایه بقا و استحکام هرچه بیشتر پایه‌های حکومت‌شان می‌دانستند و از این طریق توده مظلوم را از انقلاب و یورش علیه حکومت باز می‌داشتند.

اما رهبران شیعه ضمن ابطال شگرد تبلیغی جبرگرایی و حتی اختیارگرایی، در پی تثبیت اندیشه "امربین الامرین" یا تاثیر انتخاب انسان در طول اراده خداوند بودند و ضمن مسئول دانستن انسان‌ها و دعوت به بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران، پیروان خود را به بهترین انتخاب سفارش کرده‌اند. امام علی علیه السلام فرمود: «ثمره تجربه، گزینش خوب است»؛ ثُمَّرَةُ التَّجَرِبَةِ حُسْنُ الْإِخْتِيَارِ (غررالحکم : ۴۶۱۷). امام صادق علیه السلام نیز تصریح فرمود: «از شیعیان ما نیست و کرامتی ندارد، کسی که در شهری باشد که در آن شهر صد هزار نفر باشند و در آن شهر کسی با تقواتر از او باشد»؛ لَيْسَ مِنَّا . و لَا كَرَامَةٍ . مِمَّنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ أَلَمِصْرِ أَوْرَعُ مِنْهُ (کافی، ۲/۷۸).

انسان در بینش فلسفی امامان یک قربانی بی‌اراده در مقابل خدای تاریخ نیست، بلکه خود، سازنده آینده است و می‌تواند در پهنای قضا و قدر الهی، هم به راه خیر و سعادت رهنمون شود و هم سرانجامی نکبت بار را برای خود رقم زند. در نگاه ایشان اراده انسان‌ها در طول اراده و سنت‌های الهی است و جبری بر انسان مسلط نیست. بر این اساس، ایشان معتقد به رابطه علت و معلول در حوادث هستند.

از نگاه امامان معصوم، کواکب، سیارات، بروج، اوضاع فلکی، نیروهای ماوراءالطبیعی، بخت و امثال آن نقش قابل توجهی در خیر و شر و فضیلت و رذیلت و اختیار و انتخاب آدمیان ندارند. جز آن که قدرت اراده و مسؤولیت‌پذیری افراد را کم می‌کند و روان افراد را آشفته می‌کند. عبدالملک بن أعین، برادر زرارۀ بن اعین، از شاگردان و روایان امام

صادق علیه السلام، زندگی خود را بر اساس حالات و اوضاع سیارات و کواکب و بروج سامان داده بود! کتاب‌های مربوط به این مسأله را هم گردآوری کرده بود و به هنگام نیاز به آنها مراجعه می‌کرد. آرام آرام کارش به جایی رسید که قدرت اراده و اختیار و انتخاب خود را از دست داده بود، به گونه‌ای که برای هر تصمیم و انتخابی (خرید و فروش، مسافرت، ازدواج، مراجعه به پزشک و ...) به دنبال رصد اوضاع و احوال سیارات و کواکب بود و پس از محاسباتی نجومی مسیر و راه خود را انتخاب می‌کرد! تقریباً عقل معاش و معاد خود را در اختیار چنین محاسبات و پیشگویی‌هایی قرار داده بود. ناگهان به خود آمد و احساس کرد که یه درد بدی دچار شده است. زندگی برایش بسیار دشوار شده بود. ادامه این وضع می‌توانست زیست اجتماعی و حتی فردی او را به اختلال کامل برساند. برای همین تکلیف به امام صادق علیه السلام مراجعه کرد و این چنین وضعیت خود را برای ایشان گزارش داد: «من مبتلا به این علم شده‌ام» و توانایی‌هایی از آن را ندارم و همین قدر می‌دانم که زندگی‌ام فلج شده است. امام صادق علیه السلام ضمن تعجب از سخنان او بلافاصله به او دستور دادند: «کتاب‌هایت را آتش بزن»؛ أَخْرِقْ کُتُبَكَ (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۰).

هرچند تنها در چند چیز مثل تولد و مرگ و والدین و اقوام و رنگ و قیافه و محل تولد اختیاری نداشته ایم، ولی در بسیاری از مسائل ریز و درشت زندگی، اتفاقات، رویدادها و برنامه‌های پیش رو مانند انتخاب آینده شغلی، تحصیلی و خانوادگی کاملاً حق‌گزینش داریم، فقط خود مسئول اصلی اوضاع تعیین‌کننده‌ی زندگی‌مان هستیم و تنها ما توان تغییر آن را

داریم. حتی اگر تحت فشار دیگران و موانع خارج از خود هستیم باز هم حق استفاده از انتخاب‌های مختلف را داریم و می‌توانیم فرصت پیدا کردن راه‌های متفاوت برای مواجهه با آن موانع را به خود بدهیم. حتی نوع مرگ ما هم بستگی به انتخاب‌های دنیای ما دارد. به قول ژان پل سارتر: «من همیشه می‌توانم آزادانه انتخاب کنم، اما باید بدانم که اگر انتخاب نکنم، باز هم انتخابی کرده‌ام».

به هر حال هزینه‌های آشکار و پنهان گزینش‌های درست و غلط، فقط در همان لحظه اثرگذار نیست، بلکه نتیجه بعضی از تصمیم‌ها در آینده مشخص می‌شود که چه بسا یک انتخاب ساده غلط، تبدیل به یک بحران بسیار بزرگ‌تر شود. به اعتبار بسیاری از مخدوش کرده است. فرضا جوانی به خاطر موقعیت شغلی، مهاجرت به شهر دیگر را انتخاب می‌کند. زندگی در شهر جدید موجب شکل‌گیری روابط نوینی می‌شود. همسایگان، همکاران و دوستان جدیدی می‌یابد و پس از چندی فرزندی خواهد داشت که این شهر را شهر خودشان می‌دانند و در این شهر ازدواج کرده و دارای شغل می‌شوند. حال جوان قبلی، بازنشسته‌ای شده که دوست دارد به شهر خود بازگردد، اما مجموعه مناسباتی که به دلیل انتخاب دوران جوانی مبنی بر مهاجرت به وجود آمده اند را، نمی‌تواند به سادگی نادیده گیرد. همسر، فرزندان، نوه‌ها و دوستانش در او تاثیر می‌گذارند، لذا برغم تمایل شخصی، تصمیم می‌گیرد در وضعیت موجود باقی بماند. بنابراین یک انتخاب در گذشته بر انتخاب‌ها و ترجیحات وی در آینده و مسیر زندگی وی و حتی نسلش اثر گذارده و او را با محدودیت مواجه می‌کند.

البته فراموش نکنیم در تراحم انتخاب‌ها چه بسا گاهی باید مهم‌تر را بر مهم مقدم کرد و چه بسا لازم شود فاسد را بر افسد ترجیح داد، چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: عاقل واقعی آن کسی نیست که بتواند خیر را از شر تشخیص دهد؛ زیرا این انتخاب اگرچه مهم و حیاتی است ولی نسبتاً آسان است؛ بلکه خردمند کامل کسی است که توانمند باشد در مقاطعی حساس در انتخاب میان دو گزینه غیر مطلوب، بهترین، عقلانی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه را بشناسد و برگزیند؛ «لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶).

ضمناً یادآوری این نکته هم لازم است که؛ اختیار انسان یگانه سبب و علت تامه حوادث نیست، بلکه عواملی خارج از آن بر تقدیر و سرنوشتش تاثیرگذارند، که در ذیل اراده الهی و قضا و قدر قرار دارد و گرنه انسان دچارعجب و کبر و بخل و فرح و تاسف و اندوه و امثال آن می‌شود (المیزان، ج ۱، ص ۵۳۶).

یعنی اگر برنامه‌ریزی‌های انسان‌ها بر خلاف سنت‌های تغییرناپذیر الهی و برخلاف قضاء الهی باشد، به نتیجه‌ای نخواهد رسید. زیرا علم انسان‌ها محدود بوده و به دلیل همین نقص در بعضی موارد برنامه‌ریزی‌های آنان بر خلاف قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر جهان بوده و در نتیجه چنین برنامه‌هایی با شکست مواجه می‌شود. اما اگر این برنامه‌ها بر سنت‌های الهی منطبق باشد، در عمل با مشکلی مواجه نخواهند شد. چنان که امام علی تصریح می‌فرمایند: "از طریق بر هم خوردن تصمیم‌ها خدا را شناختم؛ عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِقَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۰). یا

می‌فرماید: چه بسیار افرادی که خود را به زحمت می‌اندازند اما چیز زیادی عاید آنان نمی‌شود و چه کسانی که در حد متوسط تلاش می‌کنند، ولی تقدیر الهی آنان را مساعدت می‌کند؛ كَمْ مِنْ مُتْعِبٍ نَفْسُهُ مُقْتَرٍ عَلَيْهِ وَ مُقْتَصِدٍ فِي الطَّلَبِ قَدْ سَاعَدَتْهُ الْمَقَادِيرُ (کافی، ج ۵ ص ۱۰) یا می‌فرماید: تقدیرها به چیزهایی شما را رهنمون می‌سازد که به فکر شما نرسیده است؛ الْمَقَادِيرُ تُرِيكَ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِبَالِكَ. (بحار الأنوار ج: ۷۵ ص: ۳۶۹).

با این همه، عملاً در زندگی و رفتارهای اجتماعی نشانه‌های زیادی از استفاده از حق انتخاب وجود ندارد. معمولاً گزاره "انتخاب" در ادبیات روزانه ما آنچنان از موضوعیتی برخوردار نیست و زمانی که از "انتخاب" سخن به میان می‌آید سعی داریم با توجه به ساختار و الگوهای ذهنی خود موضوعی به عنوان "حق انتخاب" را از خود دور کنیم. در زوایای ذهن خود پنهان کنیم، چرا که باور به گزینه "حق انتخاب" را در دایره‌های نفوذ ناپذیر ذهن خود مدفون کرده ایم. مثلاً بسیاری از افرادی که دارای جایگاه مناسب اجتماعی و اقتصادی نیستند، مسئولیت‌های خود را به گردن عوامل خارج از خود مانند وضعیت بد جامعه، خانواده ضعیف، همسر نادان، رئیس بداخلاق و عوامل بد ژنتیکی می‌اندازند، در حالی که بسیاری از افراد در همین شرایط، با پشت سر گذاشتن سختی‌های متفاوت به اهداف‌شان رسیده‌اند.

ضمن آن‌که تمدن سرمایه‌سازار جدید نیز در جهت محدودتر کردن دایره حق انتخاب افراد حرکت می‌کند، بلکه حیات آن وابسته به سلب حق انتخاب انسان‌هاست. زیرا به وسیله عوامل مختلف روانی مثل تمسخر، تحقیر، توهین، تهمت، تهدید، تشویق دروغین، ناسزا، جنگ روانی علیه

مومنین، ایجاد ساختارهای حقوقی و نظامات اجتماعی و... قدرت روحی مردم را سلب کرده، تا با تغییر نظام ارزشی و مدیریت نیازها، آن‌ها را به انتخاب سبک زندگی مصرف‌گرای غربی وادار کنند.

از آن جا که انتخاب‌های آدمیان به شدت متأثر از «شوق‌ها» و میل‌ها و علاقه به نتیجه مطلوب می‌باشد، فرهنگ غرب با استفاده از قدرت شگفت‌آور ابزارهای مدرن رسانه‌ای، مثل فیلم‌های هالیوودی و شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی به صورتی پیوسته در حال مدیریت شکل‌دهی و جهت‌دهی به «امیال» و «مطلوبات» مخاطبان جهانی خود است تا بتواند انتخاب‌های افراد را مدیریت کند. افتخار به «بی‌غیرتی» و «بی‌حیایی» و حتی «بی‌ناموسی» از سبک‌های آشکار این مدیریت می‌باشد.

در مقابل امامان معصوم شیعه، قدرت تشخیص و قدرت روحی را از لوازم حق انتخاب دانسته و تغییر رفتار افراد بر اثر فشار قضاوت دیگران را نشانه ضعف شخص دانسته، چون در این صورت مردم می‌توانند با تشویق و تنبیه، شخص را منحرف کنند. امام محمد باقر علیه السلام پیشوای پنجم شیعیان تصریح کرده اند: بدان که تو دوست (و پیرو) ما نیستی مگر آن گاه که اگر همه هم‌شه‌ریانت بر ضد تو همداستان شوند و بگویند: تو مرد بدی هستی، این سخن تو را اندوهگین نسازد و اگر بگویند: تو مرد خوبی هستی، این سخن شادمانت نگرداند. بلکه خودت را با قرآن بسنجی، اگر پوینده راه آن بودی و به آنچه به بی‌اعتنایی بدان فراخوانده است بی‌اعتنا و به آنچه بدان ترغیب کرده است راغب بودی، پس پایداری کن و خوش باش؛ زیرا که آنچه درباره تو گفته شده به تو زیانی نرساند و اما اگر از قرآن جدا بودی،

چرا باید فریب نفست را بخوری؛ «وَاعْلَمْ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّىٰ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مَضْرِكٍ وَقَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوَاءٌ لَّمْ يَخْزُنْكَ ذَلِكَ وَلَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَّمْ يَسُرَّكَ ذَلِكَ» (تحف العقول/ص ۲۸۴).

چنان‌که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، هواداران خود را برای انتخاب مسیر آینده مخیر کرد و آن‌ها را به اجبار در جنگی وارد نکرد که از لحاظ نظامی پیروز نبود. از این‌رو به آن‌ها چنین فرمود: شب تاریکی خود را گسترانیده است، پس آن را چون شتری در نظر بگیرید (و بروید)؛ حقی از من بر گردن شما نیست (ابن سعد، ترجمه الحسین و مقتله، ج ۱، ص ۷۰).

بنابراین یکی از اصول زندگی راهبردی این است که فراموش نکنیم، انتخاب‌های ماست که شخصیت ما را می‌سازد. تفاوت ما به اندازه تفاوت استفاده از حق انتخاب ما می‌باشد. ما همان انتخاب‌های خودمان هستیم و یک آینده مقابل انتخاب‌های ماست. بهترین انتخاب فضیلت نیست بلکه حقی است که باید ادا شود، پس تا فرصت داریم یک کمک از خداوند مهربان، پایان خوبی را انتخاب کنیم. بزرگان تاریخ بشریت حتی صالحان، هرچند در ابتدای راه، همانند انسان‌های عادی بوده اند، اما با جسارت در انتخاب دقیق مسیر و مدیریت مستمر فرصت‌ها، پس از مدت‌ها، به آن جایگاه رشک‌آور رسیده اند.

برخورداری از معجزه انتخاب، در بسیاری از موارد نه تنها یکی از اصلی‌ترین راهکارهای افزایش بهره‌وری عمر شده و تا حدی فرصت کنترل اوضاع را می‌دهد، بلکه اقتدار و اعتماد به نفس شخص را شکوفا می‌کند، و ذهنیت جدیدی نسبت به جایگاه وی در افکار عمومی خلق خواهد کرد، به‌گونه‌ای

که فرد احساس می‌کند دیدگاهش برای دیگران اهمیت دارد و گویا در جامعه به عنوان فردی توانمند و مقتدر به رسمیت شناخته می‌شود. در نتیجه پاداش انتخاب می‌تواند به کاهش مشکلات رفتاری افراد کمک کند؛ لذا آموزش به‌هنگام چگونگی داشتن انتخاب‌های مسئولانه، یکی از بهترین هدایایی است که می‌توان به دیگران داد.

پشیمانی‌های مستمر انسان دلیلی بر کافی نبودن عقل او در انتخاب بهترین‌هاست. نیازها و ابعاد وجودی انسان فراتر از آن است که خود به تنهایی بتواند در برابر پیچیدگی‌ها، پیش‌فرض‌ها، توهّمات، تمایلات، رذائل اخلاقی شخص را به کمال مطلوب برساند و او را از وحی بی‌نیاز گرداند، به گونه‌ای که شاهباز خرد و دانش بشری به تنهایی توان پرواز در آن ساحت را ندارد. انتخاب‌های بهتر از انتخاب‌ها عالم ماوراءالطبیعه دست‌به‌گریبان است و عقل بشر دسترسی به آن ندارد، نیاز به آیین‌نامه و نقشه‌راهی دارد که با تسلط و سیطره بر همان عالم تنظیم شده باشد و آن چیزی نیست جز کتاب آسمانی و وحی.

ضمن آن که عقل معصوم به‌عنوان الگوی تمام عیار و "عقل ممتاز" در کنار وحی، می‌تواند مکمل خرد بشری بوده و بلکه ضامن تشدید معرفت عقلی انسان‌ها در باریابی صحیح به انتخاب احسن گردد و از آسیب‌ها و انحرافات انتخاب اشتباه جلوگیری کند و بهترین فرصت را به بشر بخشیده تا در مسیر کوتاه، راست و آسان به حقیقت دست یابد، به عبارت دیگر کامل‌ترین انسان‌ها، می‌توانند بهترین انتخاب را نشان دهند.

آموزش‌های نادرست منجر به ناکارآمدی انتخاب برتر می‌شود، جایگاه کنونی ما، نتیجه هدررفت هزاران فرصت در میدان انتخاب است، که چه بسا می‌شد کارهای بزرگتری هم انجام داد. اگرچه تصمیم اشتباه در زندگی اجتناب ناپذیر است اما با یادگیری بهترین انتخاب‌ها، می‌توانیم تعداد آن‌ها را در زندگی به حداقل برسانیم. پس همه چیز به انتخاب برمی‌گردد، انتخاب هم علم می‌خواهد که خدا عالم‌ترین هست، سنت الهی انتخاب بهترین‌ها و شایسته‌ترین‌ها از بین انسانها بوده (إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَى، آل عمران ۳۳)، خداوند از بین همه موجودات، بهترین‌ها را که از هر گونه نقصی در جهان امکانی منزّه هستند، انتخاب می‌کند و انبیاء و اهل بیت عالم‌ترین الگوهای منتخبی هستند که گفتار و سیر آنها برای مومنان حجت است.

ضمن آن که ظرفیت فهم و عمل ما در برابر دامنه گسترده آموختنی‌ها و خواندنی‌ها، کتب و علوم و... محدود است. پس باید از صاحب‌نظران مجرب سود جست. از این رو امام علی علیه السلام فرمود: **فَكُنْ وَ كُنْجَايْشِ هَرْ چِیزِ رَا نَدَارِد،** پس آن را برای آنچه «مهم» است، فارغ گردان؛ **إِنَّ رَأْيَكَ لَا يَتَّسِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَفَرِّغْهُ لِلْمُهَمِّ.** (غررالحکم، ج ۲، ص ۶۰۶)

خوانندگان محترم می‌توانند با مطالعه‌ی این نوشته، ضمن تنظیم زاویه نگاه و تحلیل خود با نگاه قرآن و گنجینه پایان ناپذیر سخنان رهبران منتخب الهی، مسیر بازگرداندن آینده را هموارتر کرده و مسئولیت تصمیمات زندگی‌شان را بپذیرند.

عوامل و موانع انتخاب درست

در سر دو راهی‌های تصمیم‌های مهم زندگی، نباید انتخاب را به دیگران حتی نزدیک ترین افراد واگذار کرد، از این رو فرد باید توانایی انتخاب بهترین گزینه را داشته باشد. هر انتخابی بسته به پیامدهایی که با خود به همراه می‌آورد، مستلزم داشتن یک یا چند معیار است که البته مهم‌ترین و اصلی‌ترین معیار موثر بر انتخاب‌های ما، خود ما هستیم. از این رو برای توانمندی در بهترین انتخاب‌های انتخاب‌های کوچک و بزرگ باید با معیارهای انتخاب درست آشنا باشیم.

عامل اصلی انتخاب، «نیاز» است؛ اعم از نیازهای درونی و بیرونی یا نیازهای واقعی یا پنداری. هنگام تصمیم‌گیری برای انتخاب راه درست معیارهایی مانند؛ میزان خودآگاهی، توسعه فردی، سطح اطلاعات فردی، مشورت پذیری، هوش کلامی، احساسات، هماهنگی انتخاب با هدف و نیاز و ارزش‌ها و باورهای ما اثر زیادی بر دوراندیشی و آینده‌نگری ما دارند.

خودآگاهی

افزایش اطلاعات قدرت تصمیم‌گیری را زیادتر می‌کند، اهمیت آگاهی در انتخاب کردن مانند اهمیت هوا برای زنده ماندن است. اساساً بدون آگاهی نمی‌توان انتخاب درستی انجام داد. برای برداشتن گام‌های درست در آینده باید گذشته را به درستی شناخت و گزینه آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار می‌گیرد. انتخاب آگاهانه یعنی انتخابی که نسبت به خودمان، اهداف مان، نیازهایمان، انتظارات مان و حتی افرادی که می‌خواهیم به آن‌ها کاری را واگذار کنیم، به اندازه لازم و کافی اطمینان داشته باشیم و براساس